

نقد دکتر داود مهدوی زادگان به موضع اخیر سروش محلاتی

## حذر کردن های اسلام آمریکایی از انتقام سخت



داود مهدوی زادگان

عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جامعه ایمانی از مفتی اسلام آمریکایی غیر از وادادگی، عافیت طلبی، سازش با کفار و پذیرش ولایت کفار و شورش بر حاکم اسلامی، چه انتظار دیگری می تواند داشته باشد؟ از او نخواهید توانست تفسیر «هیبت من الذله» را شنید، با او درباره سخن الهی «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» [سوره النساء: ۱۴۱] و «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ خَمَاءٌ بِئِمَّتِهِمْ» [سوره الفتح: ۲۹] نمی توان گفت وگو کرد. او را با وصف ذوالانتقام بودن خدا چه کار؟ «فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ مُخَلَّفٌ وَعِدَهُ رَسُولُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ» [سوره ابراهیم: ۴۷]. اصلاً فایده مفتی اسلام آمریکایی همین است که از لابه لای سخن خدا و رسول، جملاتی بیاید که احکام اسلام را خنثی و زمین گیر کند تا به این وسیله هم خود و حزب قاعدین در عافیت به سر برند و هم کفار و منافقین و دشمنان مسلمانان به تجاوزگری و سرکشی و ستمگری ادامه دهند. به همین خاطر، او دنبال آیات «استثنایه» می گردد. چون بارجسته سازی همین استثنایها می توان احکام و سخن خدا را به حال تعلیق درآورد: «از کفار و منافق ترس و وحشت دارید؟ مشکلی نیست، از باب تقیه سلطه شان را بپذیرید! اگر به اضطرار افتادید، مشکلی نیست، احکام مجازات اسلامی به حال تعلیق درمی آید، می توانید مرتکب اعمال حربی و بغی بشوید.»

دشمن ضربه سختی بر مسلمین وارد ساخته و بزرگمردی از مجاهدان فی سبیل الله را جامعه ایمانی گرفته است، ولی نباید پاسخ آن را داد و انتقام سخت گرفت! مفتی آمریکایی، هیچ گاه از اینکه کفار و منافقین بر مسلمین ترس و وحشت حاکم کنند و ضربات سخت بر اقتدار و امنیت مسلمین وارد کنند و محارب و باغی شورش کنند، دلواپس نمی شود. چرا؟ چون عافیت اندیشی و سازش کار است و حاکمیت دینی را بر نمی تابد. حکومت اسلامی عالمان را به پرکاری مسئولانه و دردمندانه فرامی خواند. حال آنکه مفتی عافیت طلب، هیچ سنسختی با پرکاری مسئولانه و دردمندانه ندارد. اسلام آمریکایی این گونه است که به دست مفتیان عافیت طلب قوام می یابد.

سردار و مجاهد بزرگ به برکت انقلاب و حاکمیت اسلامی در سایه تعالیم ولی فقیه، در جهان اسلام ظهور می کند و توطئه ها را خنثی می سازد. جبهه تکفیر را می شکند و سدر راه نظام سلطه می شود و هویت اسلامی را احیا می کند. طبیعی است که چنین سردار سازش پذیر و بزرگی برای کفار و منافقین غیر قابل تحمل است. لذا راهبرد آنان، حذف فیزیکی اوست. و بالاخره سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و مرزمرز عراقی بزرگش ابومهدی المهندس را از مسلمین گرفتند. اما جبهه کفار و منافقین با این جنایت خیبیانه به آرامش نرسید. چون وعده انتقام سخت، به آنان داده شد و مردم هم از تحقق این وعده حمایتی پرشور کردند.

اما در چنین شرایطی است که جامعه ایمانی ناباورانه می بیند که چگونه مفتی اسلام آمریکایی پشت حاکم اسلامی و مجاهدان فی سبیل الله و مردم انقلابی را خالی می کند و تلاش دارد با حربه عدالت و انصاف، ضرورت «انتقام سخت» را از شدت و حدت بیندازد. گویی گمان برده که مفهوم «انتقام سخت» مترادف با انتقام غیرعادلانه است یا ولی فقیه از این مفهوم معنای «انتقام ناعادلانه» را اراده کرده است. از این رو، مفتی اسلام آمریکایی متوهم «ضرورت روشنگری» می شود و حاکم اسلامی و مردم را به ضرورت انتقام عادلانه فرامی خواند. و این یک تهمت نابخشودنی است، نه تنها به ولی فقیه و ملت، بلکه به سرداران منتقم. او باید توضیح دهد بر چه اساسی به لزوم چنین روشنگری ای رسیده است. همچنین او باید توضیح دهد این حرف او در جهت کاهش دلواپسی های دشمن ملت «نیست». زیرا مفتی اسلام آمریکایی بر مخاطبان خود معلوم نساخته که «انتقام عادلانه» در این مصیبت عظما که بر جامعه اسلامی وارد آمده و قلب مقدس امام زمان (عج) هم از آن به درد آمده است، چیست؟ ما با این رئیس جمهور منحوس آمریکا و مجریان جنایتکارش، باید چگونه انتقام بگیریم تا به زعم ایشان از عدل و انصاف خارج نباشد؟ وقتی مفتی مدعی توضیح نمی دهد «انتقام سخت عادلانه چیست؟» اطمینان پیدا می کنیم که قصد ندارد خود را در صف منتقمین و در کنار ولی فقیه، ملت شریف و مجاهدان فی سبیل الله ببیند و چونان آنان، بار سخت این مصیبت جانگاز را بر دل حمل کند. جای بسی تاسف است که مفتی عافیت اندیش شهر، چنین موضعی را برگزیده است. و اما برای آنکه افتاء مفتی اسلام آمریکایی پیرامون حکم شرعی انتقام سخت بی پاسخ نماند، به اختصار چند نکته را ذکر می کنیم.

ولی فقیه در پی ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی پیامی صادر کردند. در قسمتی از آن آمده است: «شهادت پادشاه تلاش بی وقفه او در همه این سالیان بود، با رفتن او، به حول و قوه الهی، کار او راه او متوقف و بسته نخواهد شد، ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکاران است.» باید توجه کرد که جمله اخیر در این عبارت به مثابه حکم شرعی تلقی می شود؛ یعنی فتوای ولی فقیه برای چنین اقدام جنایتکارانه ای، «انتقام سخت» است. قاطبه ملت شریف ایران هم یک صدا خواستار «انتقام سخت» بودند. اما حکم شرعی ولی فقیه و خواسته مردم بر لزوم انتقام سخت، هیچ دلالتی بر «انتقام ناعادلانه» ندارد. با وصف این، اسلام آمریکایی در شرایطی که همه عازاد هستند،

کردند و در توضیح آن گفتند قصاص عادلانه یعنی خروج آمریکا از منطقه. اکنون بپردازیم به شأن نزول آیه عقوبت و نتیجه بحث.

سوره نحل ۱۲۸ آیه دارد و از سوره های مکی است و سیاق آیات آن که بیشتر درباره توحید است، بر مکی بودن آن دلالت دارد. لیکن سه آیه آخر که آیه عقوبت عادلانه (و ان عقابتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به) جزء آنهاست، مدنی تلقی شده است. چون در آنها درباره مجازات سخن رفته است. بنابراین، سوره نحل، به اعتبار مکی بودن، از محل بحث خارج است و نمی تواند مربوط به جنگ احد باشد. اما بنا بر نقل مرحوم علامه طباطبایی، از روایت امام صادق (ع) چنین برمی آید که شأن نزول آیه عقوبت مربوط به جنگ احد است. لیکن محتمل است که شأن نزول این آیه شریفه مربوط به جنگ احد نباشد. چون آیات مربوط به جنگ احد در سوره آل عمران آمده است. حدود ۶۰ آیه این سوره، از آیه ۱۲۰ به بعد، درباره احد است. و اقدی این مطلب را از عبدالرحمن بن عوف نقل کرده است (واقعی محمد بن عمر، ۱۳۶۹: ۲۳۰) و نیز ابن اسحاق چنین گفته است (آیتی محمد ابراهیم، ۱۳۸۵: ۲۷۲). پس احتمال می رود که شأن نزول آیه عقوبت مربوط به زمان دیگری باشد. چنانکه خواهیم گفت، محتمل است این آیه مربوط به فتح مکه باشد. اما نکته مهم آن است که در میان این ۶۰ آیه شریفه، یک آیه است که احتمال یاد شده

را تقویت می کند و آن آیه ۱۲۸ سوره آل عمران است: «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ ۚ وَأُوتِيْبُ عَلَيْهِمْ وَأُوعِدُ بِهِمْ فَأُنَبِّئُكَ بِمَا لَمْ يُخَبِّرُكَ» (در باره عفو کفار، یا مومنان فراری از جنگ، برای تو نیست؛ مگر اینکه (خدا) بخواهد آنها را ببخشد، یا مجازات کند؛ زیرا آنها استمگرنند). شیخ طوسی در تفسیر البیان گوید مشرکین در جنگ احد دندان و پیشانی مبارک رسول خدا (ص) را شکستند، به طوری که خون از پیشانی آن حضرت جاری شد. در این حال، رسول خدا (ص) نگران رستگاری مشرکان بود که چگونه این قوم با کاری که بر پیامبرشان کردند رستگار می شوند؟ (کیف یفلح قوم فعلوا به بنیهم و هویدعوهم الی ربهم). پس بر رسول خدا (ص) خطاب آمد که تو مسئول فلاح و رستگاری آنان نیستی، این خداست که یا آنها را می بخشد-اگر توبه کنند- یا آنها را عذاب می کند (شیخ طوسی ابی جعفر محمد بن الحسن، ۱۴۲۰: ۲۱۸/۴). مرحوم طبرسی در مجمع البیان، علاوه بر این تفسیر شیخ طوسی، از عبدالله بن مسعود نقل کرده است که وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله پیکرهای مثله شده اصحاب و عمویش حمزه را مشاهده کردند، گفتند که اگر بر مشرکان ظفر پیامبر و دیگر شهدا توسط مشرکان، شأن نزول آیه عقوبت است و رسول الله (ص) به خاطر این آیه از تصمیم خود منصرف شد و صبر را پیشه کرد. لیکن چنین نبود که آن حضرت، دست از انتقام بردارد

نتیجه این مطالعه قرآنی در مساله انتقام سخت، آن است که هیچ معنی برای انتقام و کفر دادن ظالمان و ستمگران از ناحیه نصوص نیامده است. آنچه باید رعایت شود، عادلانه بودن انتقام است. نباید شخص ستمگر را بیش از ظلمی که روا داشته مجازات کرد. عقوبت مشروع ظالم به اندازه ظلمش است. فرض جنگ احد و ظلم مثله کردن پیکر حمزه عمومی پیامبر و دیگر شهدا توسط مشرکان، شأن نزول آیه عقوبت است و رسول الله (ص) به خاطر این آیه از تصمیم خود منصرف شد و صبر را پیشه کرد. لیکن چنین نبود که آن حضرت، دست از انتقام بردارد. رسول خدا (ص) در جنگ های زیادی شرکت کردند. واقعی گوید پیامبر در ۲۷ جنگ (غزوه) شرکت کردند و برای ۴۷ جنگ (سریه) لشکر فرستادند. مسلمان بسیاری از این جنگ ها همراه با انتقام عادلانه بوده است. رسول الله صلی الله علیه و آله پنج سال بعد از جنگ احد (سال هشتم هجری) به هنگام فتح مکه تصمیم بر انتقام سخت شهدای احد و آزار و اذیت هایی که برخی از مشرکان مکه با ایشان و دیگر مسلمانان کردند را داشتند و به همین خاطر با وجودی که فرماندهانش را سفارش کرده بود که حتی الامکان از جنگ و خونریزی پرهیز کنند، نام ۱۱ کس را می برد و از مسلمانان می خواهد که هر یک از آنها را در هر کجا یافتند، بکشند. برخی از آنان کشته شدند و برخی دیگر واسطه فرستادند یا خود به حضور رسول خدا (ص) رفتند و از پیامبر امان خواستند و اسلام آوردند (آیتی، محمد ابراهیم، ۱۳۸۵: ۴۶۱). در واقع، صبر پنج ساله رسول خدا (ص) با فتح مکه به ثمر نشست. فتح مکه همان انتقام سختی بود که پیامبر از مشرکان و کفار مکه گرفته بود. به همین خاطر، لزومی برای انتقام گرفتن حتی از آن ۱۱ تن نبود. بنابراین، انتقام سخت، امر نامشروعی نیست که حاکم اسلامی از ارتکاب به آن حذر داده شود. خود خداوند منتقم است. الله تعالی در قرآن کریم به ذو الانتقام، توصیف شده است. آنچه در امر انتقام اهمیت دارد، چگونگی انجام عادلانه آن است. وقتی دشمنان اسلام با خفت و خواری سرزمین مسلمانان را ترک می کنند و حاکمیت را به خود مسلمانان واگذار می کنند و از دخالت در تعیین سرنوشت مردم منطقه خودداری می کنند؛ این نحو ترک منطقه به مثابه انتقام سخت تلقی می شود.



هیچ معنی برای انتقام و کفر دادن ظالمان و ستمگران از ناحیه نصوص نیامده است. آنچه باید رعایت شود، عادلانه بودن انتقام است. نباید شخص ستمگر را بیش از ظلمی که روا داشته مجازات کرد. عقوبت مشروع ظالم به اندازه ظلمش است. فرض جنگ احد و ظلم مثله کردن پیکر حمزه عمومی پیامبر و دیگر شهدا توسط مشرکان، شأن نزول آیه عقوبت است و رسول الله (ص) به خاطر این آیه از تصمیم خود منصرف شد و صبر را پیشه کرد. لیکن چنین نبود که آن حضرت، دست از انتقام بردارد

اصلاً فایده مفتی اسلام آمریکایی همین است که از لابه لای سخن خدا و رسول، جملاتی بیاید که احکام اسلام را خنثی و زمین گیر کند تا به این وسیله هم خود و حزب قاعدین در عافیت به سر برند و هم کفار و منافقین و دشمنان مسلمانان به تجاوزگری و سرکشی و ستمگری ادامه دهند. به همین خاطر، او دنبال آیات «استثنایه» می گردد. چون بارجسته سازی همین استثنایها می توان احکام و سخن خدا را به حال تعلیق درآورد

سرخساز از کوتاه آمدن و «ادب قرآنی انتقام» سر داده و چنین استدلال کرده است: «با شهادت حضرت حمزه در جنگ احد، مسلمانان سخت متاثر شدند به خصوص که دشمن بدن او را مثله کرد و برخی اعضای آن را قطع کرد. این مصیبت بر مسلمانان سخت و گران بود و آنها می گفتند که باید این کار را تلافی کرده و عده ای از قریش را این گونه مجازات کنیم و حتی گفته شده که رسول خدا (ص) در اثر شدت ناراحتی گریست و فرمود: از ۷۰ نفر از مشرکان همان گونه انتقام خواهیم گرفت: لامثلن سبعین رجلا منهم (المیزان، ج ۱۲ ص ۲۷۷ و تفسیر القمی و اعلام الوری ...). در این فضای خشم و کینه توزی، آیه نازل شد تا جلوی افراطگری را بگیرد و مسلمانان را به اخلاق برگرداند. خداوند فرمود: انتقام باید در حد همان جنایت و به همان اندازه باشد و حق ندارید از آن تجاوز کنید و البته صبر و خویشتن داری بهتر است: «و ان عقابتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به و لن صبرتم لهو خیر للصابرین» (سوره نحل آیه ۱۲۶). گوینده این سخن تلاش کرده اهمیت انتقام را کم رنگ کند لیکن در نهایت در «انتقام عادلانه» توقف کرده است. او باید به مخاطبان خود توضیح دهد انتقام عادلانه در مساله امروز ما چیست. رهبر حزب الله لبنان، جناب سید حسن نصرالله (حفظه الله) بر لزوم «قصاص عادلانه» تاکید